



The analysis of the Fragile State of Iraq and the Security Dilemma in the Persian Gulf

10.30495/PIR.2022.1958145.3504

Moein Abadi Bidgoli Hossein¹, Mansouri Mansoureh², Shahmohammadi Parisa³

Received:2022/04/30 Accepted:2022/08/13	Research Article
--	------------------

Abstract

The security dilemma, as one of the main concerns of countries in the international arena, that as one country's security increases, other countries will go through a process of insecurity. It is the duty of states to provide political goods such as security, economic facilities, legal order and infrastructure. When a state fails to provide these features, it is considered as a fragile state. The concept in the last decade, is one of the characteristics of some Middle Eastern countries. Iraq has been included in the group of fragile states since 2003 and has always had an unsatisfactory level of security since then. Accordingly, the main question is “what effect does the fragile state of Iraq have on the security dilemma in the Persian Gulf?”. Using a descriptive -analytical method, the purpose of this paper tries to examine the security dilemma in post-2003 Iraq as a state in the Persian Gulf region. Findings show that the fragile state of Iraq has intensified the security dilemma in the Persian Gulf by disrupting the regional Arab order, paving the way for increased military intervention, influencing the balance of power between Iran and Saudi Arabia, and paving the way for the spread of terrorist activities and oil smuggling in the Persian Gulf region.

Keyword: Arab Order; Fragile State; Iraq; Persian Gulf; Security Dilemma

Moein Abadi Bidgoli, H., Mansouri, M., & Shahmohammadi, P. (2022). The analysis of the Fragile State of Iraq and the Security Dilemma in the Persian Gulf. *International And Political Research Quarterly*, 14(51), pp. 73-88.

¹ Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (**Corresponding Author**). moeini@uk.ac.ir

² Master of Diplomacy and International Organization, Faculty of Law and Theology, Department of Political Science, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. M_mansouri4523@yahoo.com

³ Master of Diplomacy and International Organization, Faculty of Law and Theology, Department of Political Science, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. Nsirhmi20@gmail.com



تحلیل دولت شکننده عراق و معمای امنیت در خلیج فارس

10.30495/PIR.2022.1958145.3504

حسین معین‌آبادی بیدگلی^۱، منصوره منصوری^۲، پریسا شاه‌محمدی^۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

چکیده

معمای امنیت به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها در صحنه بین‌المللی است که با افزایش امنیت یک کشور، سایر کشورها روند ناامنی را سیر خواهند کرد. وظیفه دولت‌ها ارائه کالاهای سیاسی مانند امنیت، امکانات اقتصادی، نظم قانونی و زیرساختارها است. زمانی که دولت این کارویژه‌ها را نتواند ارائه کند، یک دولت شکننده محسوب می‌شود. مفهوم دولت‌های شکننده در یک دهه اخیر، از جمله ویژگی‌های برخی کشورهای خاورمیانه شده است. عراق پس از سال ۲۰۰۳، در گروه دولت‌های شکننده قرار گرفته و در طول این سال‌ها همواره در سطح نامطلوبی از امنیت ارزیابی شده است. براین اساس، سؤال اصلی این است که دولت شکننده عراق چه تأثیری بر معمای امنیت در خلیج فارس دارد؟ هدف این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، این است که به بررسی معمای امنیت در عراق به‌عنوان دولتی در منطقه خلیج فارس پس از سال ۲۰۰۳ بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دولت شکننده عراق با برهم‌زدن نظم عربی منطقه‌ای، زمینه‌سازی افزایش مداخلات نظامی، تأثیرگذاری بر موازنه قوای منطقه‌ای بین ایران و عربستان، زمینه‌سازی گسترش فعالیت‌های تروریستی و قاچاق نفت در منطقه، معمای امنیت در خلیج فارس را تشدید نموده است.

واژگان کلیدی: معمای امنیت، خلیج فارس، دولت شکننده، نظم عربی، عراق

معین‌آبادی بیدگلی، حسین؛ منصوره؛ منصوره؛ شاه‌محمدی، پریسا (۱۴۰۱). تحلیل دولت شکننده عراق و معمای امنیت در خلیج فارس. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۱، صفحات ۸۸-۷۳.

^۱ استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) moeini@uk.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده حقوق و الهیات، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. M_mansouri4523@yahoo.com

^۳ دانش‌آموخته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده حقوق و الهیات، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. Nsirhmi20@gmail.com

مقدمه

یکی از محوری‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی «دولت»^۱ است که شیوه تعاملات دولت‌ها با یکدیگر و با افراد منتسب به هر دولت، متناسب با دوره‌های تکوینی و تکاملی و مفاهیم پذیرفته شده در هر دوره در حال تغییر بوده است. این مسئله موجب گشودن باب نظریه‌پردازی درباره‌ی انواع دولت، مطرح شده است. اگرچه این نهاد از دوره باستان تا دوره وستفالایی، علاوه بر ظهور نوع جدیدی از دولت‌های مستقل، سبب ظهور نظریات و اندیشه‌های متعددی در اطراف خود شده است. ظهور مفهوم دولت شکننده به عنوان نوع جدیدی از دولت، منجر به اختصاص مباحث و نظریه‌های جدیدی شده است، اعم از چیستی، چگونگی شکل‌گیری و نیز پیامدهای ظهور آن.

منطقه خلیج فارس (برای نمونه عراق)، در فرآیند دولت - ملت‌سازی روند ناقص و اشتباهی را طی کرده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که عراق کشوری است که به لحاظ جغرافیایی تمامیت ساختار سیاسی‌اش مورد تعارض بوده و از طرفی چند قومیتی با زبان، فرهنگ و مذهب متناسج موجب درهم آمیخته شدن مسائل و اتفاقات مهم با عنصر هویت شده است و انکار هویت اقوام مختلف و عدم انسجام در آنها با قومیت‌گرایی، ارتباط محکمی داشته است. به همین دلیل سبب شده است که هر قومی در عراق، بلافاصله بعد از کسب قدرت و نفوذ، تلاش خود را برای تقویت سلطه بر سایر اقوام، انکار هویت و قائل نشدن سهمی از قدرت برای آنها می‌گذارند. یک سند برای اثبات این ادعا در رژیم صدام که اعراب سنی با تسلط بر دیگر اقوام برای توسعه جغرافیایی و سیاسی خود دست به هر کاری می‌زدند. بسیاری از صاحب‌نظران امور عراق معتقدند که بر اساس چنین خصلت ساختاری، چگونگی ارتباط سه گروه قومی و مذهبی تأثیرگذار در مناسبات سیاسی و اجتماعی (کردها، شیعیان و سنی‌ها)، تعیین‌کننده اصلی برای صلح، ثبات، عدم امنیت و حتی جنگ و شورش داخلی در عراق است.

در فضای چند دهه حکومت دیکتاتوری صدام، به دلیل وجود ساختاری مبتنی بر آرمان‌های پان‌عربیسم، نبود فرصتی برای بروز تعدد قومیت و جریان‌ها و چنددستگی قومی - فرقه‌ای، و در نهایت فضایی برای بروز مطالبات و خواسته‌های قومیت‌های مختلف، وجود نداشت. اما در سال ۲۰۰۳، به دنبال حمله آمریکا و متحدانش با عنوان عملیات آزادی در عراق و پس از سقوط صدام، فضای بسته دیکتاتوری گذشته از بین رفت. قومیت‌ها و جریان‌هایی با خواسته‌ها و اهداف کاملاً متضاد از یکدیگر، ظهور و بروز یافت. در این فضای جدید که سرشار از تراکم گروه‌های قومی که با فعالیت و رقابت طیف‌های ایدئولوژیک و سیاسی پراکنده و متعارض درون حکومتی همراه است، عراق در یک معمای امنیت پایدار قرار گرفته است.

به عبارت دیگر، مهم‌ترین موضوع پس از سال ۲۰۰۳ با سقوط صدام و تغییر حکومت در عراق و عصر رهایی مردم از حاکمیت کودتاها و دیکتاتوری‌ها، فرآیند چانه‌زنی برای تشکیل عراقی جدید با بافت اجتماعی موزاییکی و هویت‌های مختلف و در تضاد با یکدیگر بوده است. باگذشت بیش از یک دهه نابسامانی و درگیری‌های داخلی و خارجی، این فرآیند اینک عراق را در فهرست دولت‌های شکننده و ضعیف قرار داده است. از جمله ویژگی‌های دولت شکننده عراق؛ منازعات خشونت‌آمیز کردها و اعراب، بی‌ثباتی سیاسی، عدم شناخت از قواعد دموکراتیک، برآورده نشدن مطالبات جریان‌های گوناگون، ناتوانی در محافظت از مردم در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، وجود گروه‌های قومی - فرقه‌ای و فقدان انسجام میان آنها، ناتوانی حکومت جدید در شکل‌دادن به نهادهای مردم‌سالار، عدم پایبندی جریان‌های داخلی به قانون اساسی و ناتوانی در ارائه خدمات عمومی می‌باشد. شکنندگی دولت در عراق موجب تهدید و نگرانی امنیت این کشور و همسایگان مجاور شده است.

نگارنده مخالفتی با آن دسته از تحلیل‌هایی که تأثیر مناسبات بیرونی و خواست و اهداف قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را که در فضای بی‌ثبات و ناامنی بر عراق حاکم شده است مهم می‌دانند، ندارد. اما در این پژوهش هدف این است که به بررسی تأثیر دولت شکننده عراق بر معمای امنیت در خلیج فارس پرداخته شود.

^۱.State

۱- بررسی ادبیات پژوهش

در زمینه پژوهش‌های انجام شده پیشین در رابطه با تأثیر دولت شکننده عراق بر معمای امنیت در خلیج فارس می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

بروک و دیگران (۱۳۹۴)، در کتاب «دولت‌های شکننده؛ جامعه‌شناسی جنگ و دولت مدرن»، ضمن روشن کردن معنا و مفهوم دولت‌های شکننده و بیان ویژگی‌های آن در جهان معاصر، تاریخ تحول و توسعه آن‌ها را از دوره‌های پساستعماری تا به امروز مورد واریسی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند بین کشورداری شکننده و گسترش منازعات خشونت‌آمیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و در این میان مداخله‌های خارجی برای برون‌رفت از این مخمصه کارگشا نیستند.

عطار و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته»، روند گذار دولت‌های خاورمیانه از دولت‌های ضعیف و شکننده به مرحله بدترین‌ها یعنی همان دولت‌های ورشکسته می‌پردازند. نویسندگان مقاله با ارائه آمار کشورهای ورشکسته بیان می‌دارند که از اوایل قرن بیست و یکم دولت‌های ضعیف خاورمیانه در حال گذار به دولت‌های ورشکسته بوده‌اند؛ به طوری که هم‌اکنون از دولت ورشکسته، سه مورد آن‌ها (عراق، سوریه و یمن) در خاورمیانه واقع شده است.

رضایی و تهامی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پیامدهای امنیتی منطقه‌ای دولت‌های شکننده؛ بررسی موردی عراق»، معتقدند که طی دهه‌های اخیر ظهور دولت‌های شکننده و ضعیف در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باعث شکل‌گیری بحران‌های چندگانه مانند بحران اقتدار و فزونی آن در دولت‌های شکننده که منجر به فعال‌تر شدن شکاف‌های قومی - فرقه‌ای در درون این نوع از دولت‌ها و شکل‌گیری پدیده‌های خودمختاری و تجزیه‌طلبی در این کشورها شده است که در نهایت منجر به سرایت آن بحران‌ها به همسایگان و مناطق مجاور می‌گردد.

طاهری و صادقی‌بکیانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)»، درصددند که به بررسی ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای بپردازند. با مطالعه موردی خلیج فارس به این مسئله پی برده است که به‌واسطه پیچیده شدن روزافزون معمای امنیت، امنیت ملی کشورهای منطقه خلیج فارس به‌خصوص کشورهای مستقل با تهدیدات جدی و نگران‌کننده‌ای روبرو می‌شود. در مجموع هدف این پژوهش بحث‌وبررسی الگوی امنیتی موجود در خلیج - فارس و پیامدهای امنیتی حاصل از آن را در جهت تدوین سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌خصوص ایران است.

اختیاری امیری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش هویت‌های متعارض در عدم شکل‌گیری اجتماع امنیتی در منطقه خلیج فارس»، به بیان این مطلب می‌پردازد که ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاکنون موفق نشده‌اند تا به یک مکانیسم امنیتی مشترک و جمعی در منطقه دست یابند. باتوجه‌به معمای امنیت منطقه خلیج فارس، سؤال اصلی پژوهش بر این محور قرار دارد که هویت‌های متعارض ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس چه نقشی در عدم تحقق اجتماع امنیتی در منطقه خلیج فارس دارد؟

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در پژوهش‌های پیشین هیچ یک به طور جامع به مسئله مورد بررسی در پژوهش حاضر یعنی بررسی معمای امنیت در خلیج فارس بر اساس شاخص‌های شکنندگی، بررسی موردی کشور عراق، نمی‌پردازند. عمده مطالعات در زمینه پژوهش پیش‌رو به مباحث چیستی و ماهیت معمای امنیت و دولت شکننده متمرکز بوده است و ادبیات حوزه مورد پژوهش ضعیف و منابع چندانی از آن در دست نیست. براین‌اساس، پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب نظری معمای امنیت و دولت شکننده درصدد گشودن بابی جدید در پرداختن به شاخص‌های دولت‌های شکننده در محیط امنیتی خلیج فارس است.

۲- مبانی نظری

در مقاله حاضر برای تبیین تأثیرگذاری دولت شکننده عراق بر معمای امنیت در منطقه خلیج فارس، از مفهوم دولت شکننده و معمای امنیت بر اساس تئوری رئالیسم یا واقع‌گرایی استفاده می‌گردد.

۲-۱- دولت شکننده

مبحث دولت‌های شکننده بعد از جنگ سرد و تسریع در فرایند جهانی شدن، به شکل دقیق و کامل مطرح شده است و به آن دسته از تهدیدات جدید امنیتی که در لایه‌های اجتماعی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در نتیجهٔ منازعه‌ها، فروپاشی‌های اقتصادی و سیاست‌های شکست‌خوردهٔ دولت‌ها اشاره داشت، به وجود آمده بودند (Nuruzzaman, 2008: 2). پژوهشگران در ابتدا از اصطلاحاتی چون «دولت ناکام»^۱، «دولت فروپاشیده»^۲، «شبه دولت»^۳، «دولت ضعیف»^۴، «دولت نظام نیافته»^۵، «دولت ناکارآمد»^۶ برای توصیف این دولت‌ها استفاده کردند. اما در پژوهش‌های اخیر اصطلاح «دولت شکننده» به سه دلیل جای آن را گرفت.

نخست، اصطلاحات پیشین حامل نوعی مطلق‌انگاری بودند. یعنی، دولت‌ها به طور مطلق ناکام و ازهم‌پاشیده و یا کارا و باثبات تلقی می‌شدند. از این لحاظ، درجات نسبی ناکامی در موارد زیادی، در نظر گرفته نمی‌شد.

دوم، مطالعات قبلی به طور عموم برای توصیف دولت‌های جهان سوم به‌کاررفته و وجهه تاریخی شکنندگی تمام دولت‌ها را به حیث قاعده عام در نظر نمی‌گرفتند. این در حالی است که تمام دولت‌ها در زمان‌های متفاوت تحت عوامل و شرایط متفاوتی به درجات مختلفی شکننده بوده‌اند.

نهایتاً، پدیده‌هایی مانند دولت ضعیف، دولت ناکام، دولت ازهم‌پاشیده و امثالهم بیانگر درجات مختلف شکنندگی دولت‌اند. اصطلاح دولت شکننده به دلیل اینکه هم قادر به توضیح نسبی میزان توانایی دولت‌ها است و هم می‌تواند عنوان‌های پیشین را در خود بگنجانند، جای اصطلاحات قبلی را گرفت (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۵ - ۴).

تعریف بین‌المللی مشخص و دقیقی از دولت شکننده وجود ندارد. اما برخی از سازمان‌های بین‌المللی، دولت شکننده را به واسطه ضعف بنیادی آن دولت جهت اقدامات ضروری و فوری در زمینه‌ی مدیریت تغییرها در مطالبات و رفع نیازها و انتظارات شهروندان و توانایی به انجام رساندن فرآیندهای سیاسی معرفی می‌کنند (OECD ilibrary, 2015: 3). سازمان توسعهٔ بین‌المللی^۶ دولت‌های شکننده را این‌گونه تعریف می‌کند: «آن دسته از دولت‌هایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند اقدام‌های اساسی را برای اکثر شهروندانشان از جمله فقرا و افراد کم‌درآمد فراهم کنند» (کولایی و اکبری، ۱۳۹۶: ۱۶۱ - ۱۶۰). درواقع؛ تجربهٔ دولت‌های شکننده نشان می‌دهد، دولت مهم‌ترین سازوکار تأمین امنیت و اصلی‌ترین منبع تهدید امنیت انسانی و در برخی از جوامع محل منازعه و موضوع رقابت، قدرت و نامنی بشمار می‌آید که علاوه بر ناتوانی در برای برقراری امنیت، به امنیت انسانی توجهی نمی‌کنند (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۵۷ - ۵۶).

به عبارتی دولت‌های شکننده را می‌توان با ویژگی‌های مشترکی شناسایی کرد. مجله سیاست خارجی و بنیاد صلح اقدام به تعیین مصداق‌ها و درجه‌بندی دولت‌ها با تعیین دوازده شاخص مهم برای دولت‌های شکننده در میان همه کشورهای جهان در حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با استفاده از یافته‌های تحقیقات بانک جهانی کرده‌اند، با این پیش‌فرض که همهٔ کشورهای جهان، کم‌وبیش این دسته از مصداق‌ها را دارا هستند، اما میزان و شدت شکنندگی آنها، دلیل اصلی انفصال دولت‌های شکننده از سایر دولت‌ها است. این شاخص‌های دوازده‌گانه به این شرح است (نمودار شماره ۱).

براین‌اساس مؤلفه‌های شکنندگی دولت در ارتباط با معمای امنیت عبارتند از:

۱. قدرت نظامی را در انحصار خود ندارد که یک مزیت مهم برای گروه‌های مسلح تروریستی جهت اعمال قدرت نظامی در درون جامعه و تسری آن به کشورهای دیگر است (سلطانی‌گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

۲. به دلیل شرایطی که دارند، تعاملات بحران‌زای بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه در ارتباط با همسایگان خود دارند (Jackson, 1991: 177).

۳. در روند بی‌تفاوتی و به‌گونه‌ای روزافزون، قابلیت‌های خود را به‌عنوان مرجع تأمین ارزش‌های سیاسی (به‌ویژه امنیت) و مجری وظایف دولت - ملت در جهان مدرن را از دست می‌دهند (Rotberg, 2003: 5).

^۱.Failed State

^۲.government collapsed

^۳.Weak state

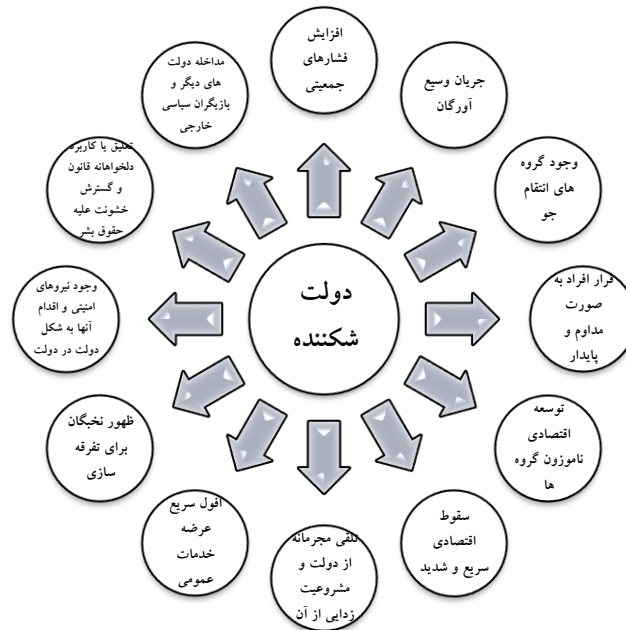
^۴.Unregulated government

^۵.Inefficient government

^۶.Department for International Development (DFID)

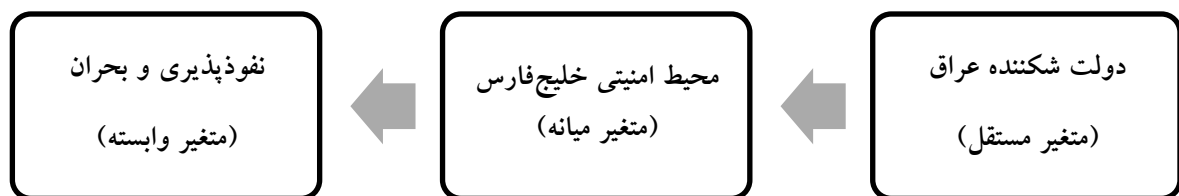
۴. جامعه مدنی شکننده و ساختارهای نهادی توسعه نیافته‌ای دارند. این وضعیت زمینه‌های مهار یا کنترل تنش‌های سیاسی در این جوامع را به شدت تحلیل می‌برد (Howard, 2014: 42-44).
۵. ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی مشروع در این جوامع. نهادهای سیاسی حاصل سیاست‌های استعماری (اقتدارگرایی) یا اعمال دیکتاتوری علیه ملت است؛ بنابراین بحران هویت ملی در این دولت‌ها برجسته است (Yoo, 2011: 37).
۶. درنهایت بی‌ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی در تأمین رفاه اقتصادی است (کازمی، ۱۳۹۵: ۴).

نمودار شماره ۱: مدل مفهومی دولت شکننده



(<https://fragilestatesindex.org/country-data/> (2019) & Gould and Pate, 2016)

بر همین اساس می‌توان متغیرهای پژوهش حاضر را بر اساس شکنندگی دولت عراق و تأثیر آن بر محیط امنیتی خلیج فارس این گونه ترسیم کرد.



۲-۲- معمای امنیت

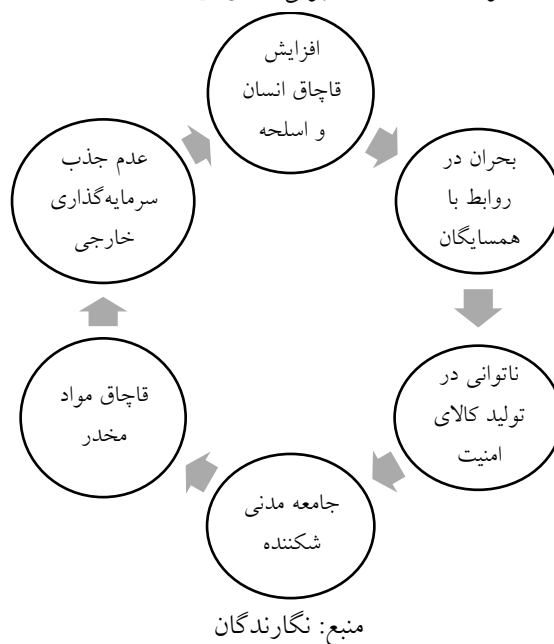
معمای امنیت از منظر تئوری‌های واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل، به موقعیتی اشاره می‌شود که در آن، تلاش دولت‌ها در روابط بین‌الملل در جهت افزایش ضریب امنیتی خود، تهدیدی را برای سایر بازیگران به وسیله کسب قدرت بیشتر من جمله افزایش قدرت نظامی یا اتحادهای سیاسی و نظامی با سایر دولت‌ها به وجود می‌آورد. متقابلاً موجب سؤظن در دیگر بازیگران می‌شود که آنها نیز در برابر این تهدیدات، به افزایش قدرت و توان خود برای کسب امنیت بیشتر، روی می‌آورند. به همین خاطر، چرخه‌ای از عمل و عکس‌العمل‌ها که تلاش مضاعف دولت‌ها برای افزایش امنیت خود منجر به تولید تنش و نزاع میان آنها می‌شود که درنهایت به کاهش امنیت می‌انجامد، شکل می‌گیرد؛ بنابراین از این وضعیت به‌عنوان معمای امنیت نام‌برده می‌شود (شبهان، ۱۳۸۸: ۱۵ - ۱۳).

واقع‌گرایان معتقدند که معمای امنیت، محصول محیط آنارشیک نظام بین‌الملل است، این وضعیت، دولت‌ها را به در نظر گرفتن اصل خودیاری در روابط بین‌الملل سوق می‌دهد. در واقع، معمای امنیت یعنی عدم اعتماد و اطمینان دولت‌ها از انگیزه، اغراض و توانمندی‌های دشمن بالقوه است. بدین ترتیب، دولت هرگونه اقدام در غالب تدافعی و مطمئن‌ترین راه برای بقا، کدر راستای افزایش امنیت ملی خود است را برای مقابله با یک تهدید اساسی علیه خود در پیش می‌گیرد (Waltz, 1979: 249).

همانطور که پیدایش معمای امنیت در نظام بین‌الملل، امری طبیعی بنظر می‌رسد، به پیروی از واقع‌گرایان، آنارشی نیز فقدان مرجع فائده‌ی مرکزی است. آنارشی به عنوان سیستمی است که آن را مجموعه‌ای از بی‌نظمی هدایت می‌کند و در مقابل واحدهای ملی که دارای ساختار سلسله‌مراتبی است قرار می‌گیرد، در حالیکه در نظام بین‌الملل، بدلیل فقدان تکلیف قانون هیچ واحد سیاسی برای اطاعت از دیگر واحدها وجود ندارد و ما شاهد قدرت مشروع که واحدها از آن فرمان‌برداری کنند نیستیم. در محیط داخلی یک کشور، وجود یک ساختار سلسله‌مراتبی واجد قدرت بی‌بدیل، که به علت مشروعیت انحصاری، فرمان‌پذیری و اطاعت از دولت، توان برخورداری برای استفاده از قدرت و زور مشروع، امری طبیعی و عادی محسوب می‌شود (پورسعید، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰).

بنابراین امنیت مطلق غیرقابل دسترس است این نکته‌ی محوری در تحلیل و تفسیر معمای امنیت است، چراکه کارکرد آنارشی بین‌المللی اجازه آن را نمی‌دهد و دولت‌هایی که در نظام بین‌الملل اقتدارگرایان هستند، بین دوراهی مسلح شدن یا مسلح نشدن قرار دارند. هر چند امنیت کشور در صورت مسلح نشدن در کوتاه‌مدت به خطر می‌افتد، ولی از طرفی نیز افزایش هزینه‌های دفاعی و نظامی منجر به ترغیب رقبا و سایر دولت‌ها می‌شود. در واقع؛ آنارشی دولت‌ها را به اصل خودیاری، افزایش امنیت و قدرت و سوءظن شدید به یکدیگر وادار می‌کند (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۹۱۲).

نمودار شماره ۲: مدل مفهومی معمای امنیت دولت شکننده



۳- دولت شکننده عراق

تاریخ عراق نمونه‌ای از یک دولت شکننده مواجه با معمای امنیت می‌باشد. ساختار این کشور اگرچه ملاحظات قومی و ملی را نادیده گرفته است اما به لحاظ جغرافیایی توجیهی دارد (الیس، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در سال ۲۰۰۳ اشغال عراق، منجر به فروپاشی بی‌سابقه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شد؛ به طوریکه جایگاه این کشور را در جمله‌ی دولت‌های شکننده در مواجهه با معمای امنیت قرار داد. آمریکا با تهاجم به بغداد باعث درهم شکستن دیکتاتوری صدام شد، اما در استقرار امنیت و دولتی کارآمد و مقتدر، ایجاد ثبات در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و توانایی برطرف کردن نابسامانی داخلی شکست خورد. به همین خاطر باعث سال‌ها تلفات انسانی و ضعف اقتصادی و منازعات داخلی در عراق شده است (Cordesman and Khazai, 2014: 8).

آمدگی کم نیروهای ائتلاف در اداره‌ی عراق، ضربه به امنیت اقلیت‌های دینی و قومی و کشتار جمعی آنها توسط شورشیان، هرج و مرج و خشونت‌های برساخته از مطالبات سیاسی مردم، بی‌خانمانی مردم بر اثر تاخت‌وتاز و اشغال عراق توسط آمریکا، قطع تولید نفت و افزایش گرانی‌ها در مورد وضعیت انرژی در عراق، زیان و خسارتی که در پی بیش از یک دهه تحریم بر زیرساخت‌ها و خدمات اساسی و اقتصاد عراق، مقدم بودن هویت قومی بر هویت ملی، خلأ قدرت سیاسی ناشی از سقوط رژیم صدام، دستاورد وارونه آمریکا از جنگ با تروریسم، وجود نخبگان خودمحمور، عدم حساسیت مسئولین به برخی از مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و نیز ناتوانی آمریکا در جذب پناهندگان عراق، زمینه‌ساز شروع بحران‌های امنیتی شد (داویشا، ۱۳۸۶: ۲۷۸-۲۸۱). دولت مرکزی عراق، در نتیجه‌ی این بحران‌ها در تأمین و حفظ امنیت انسانی و نیازها و مطالبات اساسی مردم در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، برقراری آرامش و تثبیت زیرساخت‌های فیزیکی و ارائه‌ی خدمات عمومی ضروری با مشکل و موانع روبرو شد.

در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^۱ به منظور بررسی وضعیت شکنندگی در عراق مرتبط با معمای امنیت که بر اساس دوازده شاخص^۲، و سه شاخص اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی می‌شود. طبق گزارش‌های بنیاد صلح و رتبه‌بندی-های سالانه‌ی بانک جهانی از وضعیت کشورها، دولت عراق در وضعیت مناسبی نیست. عراق در طی دوره مورد بررسی دچار بی‌ثباتی امنیتی و ضعف‌های پایدار در زمینه مداخلات خارجی، وضعیت امنیتی، حقوق بشر، خدمات عمومی، مشکلات اقتصادی، توسعه نامتوازن، اعتراضات گروهی است (FRAGILE STATES INDEX (FFP), 2006-2019:22).

۳-۱- شاخص‌های اقتصادی

فقر و توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن گروه‌ها و زوال یا رکود اقتصادی از جمله معیار سنجش شاخص اقتصادی دولت‌های شکننده است که می‌توان به موارد: اقتصاد تک محصولی (وابستگی به نفت)، نرخ بیکاری، تورم، نسبت درآمد طبقات بالا و پایین جامعه، عدم قدرت خرید، پراکندگی خدمات شهری در برابر خدمات روستایی، نبود زیرساخت مناسب، کسری اقتصاد، آمار بالای جمعیت حاشیه‌نشین، بدهی حکومت، نبود امنیت اقتصادی، سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی، برآمدگی جوانان و نیز نامتناسب بودن سیاست‌های اقتصادی با شرایط کشور را که از مصادیق آنها می‌باشد اشاره کرد (FRAGILE STATES INDEX (FFP) 2006-2019:19). در حوزه‌ی اقتصادی چالش اصلی که دولت عراق با آن روبرو است؛ نداشتن آمدگی نیروهای ائتلاف در اداره‌ی کشور، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی در نتیجه‌ی جنگ، خلاء قدرت بعد از صدام، ناامنی‌ها بواسطه منازعات داخلی و استمرار خشونت و هرج و مرج پس از جنگ است. در نهایت ضعف قوانین و مقررات بازرگانی و ناامنی داخلی، موجب کاهش تمایل همسایگان عراق و سایر کشورها برای توسعه‌ی روابط بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی در عراق شده است (Blanchard and eds, 2009: 3-4).

یکی از مشکلات اقتصادی عراق وابستگی بیش از حد به منابع نفتی است و در زمینه‌ی فساد نیز دارای جایگاه بسیار بد در میان کشورهای جهان است. در واقع؛ با وجود اینکه در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸، درآمدهای نفتی عراق افزایش یافت اما هنوز به دلیل ضعف و ناتوانی‌های مدیریتی و فساد گسترده، مشکلاتی در زمینه اقتصاد و بازسازی زیرساخت‌ها بوجود آورده است. یکی از شاخص‌های مهم در بررسی سطح ثبات و امنیت هر کشور میزان سهولت شروع کسب و کار محسوب می‌شود. در سال‌های ۲۰۱۹ - ۲۰۰۶ بانک جهانی، از نظر شاخص کسب‌وکار و وضعیت اشتغال عراق را به ترتیب رتبه‌های ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸ و ۱۷۱ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است (The World Bank, 2006-2019: 40).

۳-۲- شاخص‌های اجتماعی

از جمله شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی مانند؛ افزایش فشارهای جمعیتی، آوارگان و بی‌خانمانی شدید، کاهش شدید خدمات اجتماعی، مداخلات خارجی، عدم انحصار قدرت از طرف دولت، مهاجرت انسانی و واگرایی و تفرقه نخبگان، عدم امنیت و آزادی

¹. The Fund for Peace

شخصی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی پیشرفته و شکاف اجتماعی در دولت‌های شکننده محسوب می‌شوند که این مسئله زمینه را برای بهبود و ارتقا کیفیت زندگی فراهم نمی‌گرداند (Fragile States Index (FFP)2006-2019, 2019:24).

بعد از سال ۲۰۰۳ به دلیل درگیر بودن در منازعات و تنش‌های قومی و فرقه‌ای، با قرار گرفتن عراق در گروه دولت‌های شکننده دچار به معمای امنیت، علاوه بر اینکه از نظر شاخص‌های اجتماعی در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارد، بلکه پیشرفت چندانی در زمینه‌ی بهبود شرایط زندگی شهروندان خود نیز نداشته است. از مجموع معیارها در شاخص اجتماعی عراق از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی ملل متحد، رتبه ۱۲۰ از میان ۱۸۷ کشور جهان را داشته است (United Nations Development Programs, 2018:10).

در سال‌های گذشته، اگرچه دولت عراق در تلاش برای انحصار قدرت مشروع در سرزمینشان بود، اما این کشور در ردیف ۱۰ کشور بی‌ثبات و شکننده جهان قرار دارد. این واقعیت مبین این است که این کشور در فرایند دولت-ساخت ناکام مانده است. عواملی که به تهدیدهای امنیتی جدی در عراق منجر شده‌اند مانند؛ توانایی و عملکرد ضعیف دولت عراق در اعمال اقتدار، ایجاد خدمات عمومی و اجتماعی، کاهش تحریم و فشارها، کاستن از خطر بلایای طبیعی و حوادث اجتماعی و عدم کنترل سرانه‌ی پناهندگان و بیماری‌های ناشی از بی‌خانمانی بوده است.

۳-۳- شاخص‌های سیاسی و امنیتی

رهبران سیاسی و نظامی دولت عراق بدلیل رویارویی با چالش‌های امنیتی بزرگ، شکاف‌های عمیق جناحی و زنجیره‌ای از مشکلات و عدم شکل‌گیری دولت-ساخت، در تلاش برای ساختن یک دولت-ساخت واحد سیاسی و در اتحاد شیعه، سنی، عرب و کُرد بدلیل خصلت چند قومیتی در این کشور شکست خورده‌اند؛ به طوریکه در این سال‌ها حس بیگانگی در سنی‌ها و ترغیب به جداسازی راه خود در کُردها بیشتر احساس شده است (Cordesman and Khazai, 2014: 3). پایداری نوعی فرهنگ سیاسی پیشامدرن در عراق بدلیل تنوع امکانات اقتصادی، عدم اعتماد بین قومی، زبان‌ها و قومیت‌های گوناگون در سه گروه متفاوت اجتماعی موجود در این کشور موجب شده است که وفاداری‌های آنها به سطح قومی، محلی، خانوادگی و قبیله‌ای محدود باشد. در واقع؛ کشور به منزله‌ی مجموعه‌ای از عشایر و اقوام است که دولت مرکزی را به عنوان مرجعی عادل و قانونی به رسمیت نمی‌شناسند، اما برای کسب بیشتر قدرت، امنیت و ثروت، با یکدیگر رقابت و ستیزه می‌کنند. این ویژگی سبب عدم اطلاق مفهوم دولت-ساخت به عراق و مشروعیت‌زدایی از دولت و همچنین موجب شکننده شدن هرگونه تعادل قومیتی در عرصه‌ی سیاسی عراق می‌شود (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

از جمله ویژگی اصلی شکنندگی مرتبط با معمای امنیت، ضعف یا عدم مشروعیت دولت است. حکومت‌هایی در ایجاد روابط دوسویه میان دولت و جامعه و ساختن قرارداد اجتماعی منسجم و پایدار ضعیف عمل می‌کنند، در برآوردن نیازهای اساسی مردم و ایجاد تعادل میان انتظارات اجتماعی و ظرفیت دولت با شکست مواجه می‌شوند. زمانی یک دولت در مسئولیت‌پذیری شکست می‌خورد که حقوق بشر نقض شود یا به شکلی نابرابر در نظر آید. براین اساس از جمله شاخص‌های سیاسی و امنیت در دولت شکننده‌ی عراق؛ میزان مشروعیت ایدئولوژیک دولت، حقوق بشر و حاکمیت قانون، تجانس در میان مردم، وجود ارتش‌های چریکی و نیروهای مسلح خودگردان برای ایجاد یک اقتدار عالی، کارایی لازم برای ایجاد خدمات عمومی و مداخله‌ی خارجی می‌باشد (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

۴- تأثیر شکنندگی عراق بر معمای امنیت در خلیج فارس

عراق در سال‌های اخیر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگی با قدرت‌های منطقه غرب آسیا و ویرانی‌های ناشی از استبداد، اشغال و تروریسم، همواره محلی برای شکل‌گیری رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. رقابت‌هایی که با ابعاد مختلف سیاسی-امنیتی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی وجود داشته و دارد. در ادامه سعی گردیده به بررسی موارد تأثیر شکنندگی عراق بر معمای امنیت در خلیج فارس پرداخته شود؛

۴-۱- حمله آمریکا به عراق عامل شکنندگی دولت در عراق

حمله آمریکا به عراق، یکی از عوامل اصلی شکست دولت در این کشور در سطح بین‌المللی بود. آمریکا توانست در بیستم مارس ۲۰۰۳، بدون کسب مجوز قانونی برای حمله به کشور عراق، ائتلافی بین‌المللی علیه این کشور پدید آورد. نتیجه جنگ برای عراق چیزی جز دولتی شکننده که همواره درگیر بحران نظامی و شورش و جنگ داخلی و فشار مداوم بر ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نبود. البته این نتیجه قابل پیش‌بینی بود، چراکه محدوده و مرزبندی عراق کنونی از سوی انگلستان با تعریف و تدبیر مرزهای این کشور در غالب سیاسی و نه جغرافیایی صورت گرفته است. به طوریکه عراق را با ساختاری شکننده و ناکارآمد و معضلات جغرافیایی، سیاسی و امنیتی روبرو ساخته است. در دوره صدام یک جو باثبات دیکتاتوری و حزب شبه‌توتالیتر حاکم بود که آمریکا نظام و ساختار حکومتی در عراق را تغییر داد، اما طرح جایگزین نظام تک حزبی به درستی جواب نداد (Hinnebusch, 2007: 10). تاثیر جنگ عراق بر ایجاد شکنندگی و بحران ناامنی دست کم از سه نظر قابل بحث و بررسی است:

الف) عدم تسلط آمریکایی‌ها بر کل عراق و انحلال ارتش عراق

آمریکایی‌ها آمادگی لازم برای مبارزه با ارتش ضعیف عراق را داشتند، اما برای مبارزه با شورش‌های طولانی‌مدت در عراق برنامه‌ای نداشتند. در این مدت آمریکایی‌ها عراق را بدلیل فقدان حکومت مرکزی و ارتش مقتدر مدیریت می‌کردند. شکل‌گیری عدم اثربخشی حاکمیت قانون و قدرت دولت، خلأ امنیت، فساد، عدم اتحاد در جریان‌ها، هرج و مرج در داخل در عراق بواسطه نابودی دولت مرکزی است که انحلال ارتش عراق موجب شد تا هزاران نیروی آموزش دیده ارتش به گروه‌های مقاومت در عراق نپیوندند. ازطرفی با ظهور نیروهای خشونت‌گرا فرقه‌ای، این گروه توانستن جاهای خالی را با استفاده از خلأ موجود پر کنند و علاوه بر تثبیت جایگاه خود، موجب قتل و عام، ترور، شورش و غارت شدند (Hinnebusch, 2007: 8).

ب) رشد و ایجاد زمینه‌ی فکری گروه‌های اسلام‌گرای جهادی

از منظر آمریکایی‌ها شاید تهاجم به عراق با اهداف سیاسی و اقتصادی صورت گرفت، اما از منظر گروه‌های اسلامی - جهادی این جنگ، معنایی جز حمله به دارالاسلام تلقی نمی‌شد. درواقع حمله‌ی آمریکا به عراق باعث ایجاد زمینه‌ی فعالیت فکری گروه‌های اسلام‌گرای جهادی در این کشور در جهت مبارزه با اندیشه‌های ناسیونالیسم، پان‌عربیسم، سوسیالیسم عربی و برچیدن حکومت‌های سکولار شد (نظمی، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۵۳).

ج) شورش و اعتراض‌های مردمی

تویی داج^۱ و دیگران معتقد بودند که اشغال بی‌برنامه عراق سبب اعتراض و نارضایتی مردم و یک فاجعه احتمالی مانند شورش و جنگ داخلی طولانی در این کشور خواهد شد؛ چراکه حمله به عراق علاوه بر تبدیل دولت عراق به دولتی شکننده و فاقد اقتدار، موجب تخریب و نابودی امنیت و بهداشت و امکانات عمومی شد. حتی اگر با طرح پیشرفته‌تر تهاجم و اشغال عراق صورت می‌گرفت، مجدد همین نتایج فاجعه‌بار را به همراه داشت. در اوایل جنگ نزدیک به صد هزار نفر کشته شدند که اکثر آنها مردم عادی بودند و همچنین سبب نابودی ارتش و ساختار دولت و بیکاری گسترده در عراق شدند (Hinnebusch, 2007: 13). بنابراین حمله آمریکا، علاوه بر شکنندگی دولت عراق و تاثیر آن بر معمای امنیت در عراق، سبب ایجاد آناشسی در این کشور شد. همه‌ی این عوامل در کنار تضاد و اختلافات قومی، مذهبی و زبان از دیرباز تاکنون، عراق را به سمت بحران طولانی‌مدت برد.

۴-۲- عراق و نظم عربی منطقه‌ای

نظم عربی در جهان عرب، همان حفظ هویت، فرهنگ و سنت عربی است. پیکره جهان عربی براساس این نظم، بر مبنای تعاملات عربی، سامانه سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک کشورهای عرب تعریف می‌شود. استدلال عبدالله الاشعل^۲، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه قاهره،

^۱.Toby Dodge

^۲.Abdullah al-Ashal

این است که: «اشغال و جنگ بدلیل دموکراسی از نوع غربی، با نظم عربی در تضاد است، زیرا نظمی که بر جهان عرب تحمیل شود، برخلاف نظم طبیعی عربی است. گسترش تمدن و دموکراسی در منطقه خلیج فارس تهدیدی علیه نظم عربی می‌باشد. که مأموریت استعماری غرب در منطقه، اشغال عراق و سایر دولت‌های شکننده عربی و حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی در راستای منافع خود است» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

در رابطه با جایگاه عراق در نظم عرب‌گرایانه منطقه خلیج فارس بایستی در نظر داشت که تغییرات اساسی در نظم منطقه‌ای عربی با روی کار آمدن شیعیان در عراق بوجود آمد. به طوریکه ورود عراق شیعی به این نظم، سبب خدشه‌دار شدن سنت و ترتیبات نظم منطقه عربی که حول کشورهای سنی مذهب و عرب معنا می‌یافت، شد. این امر واکنش منفی اعراب را در پی داشته است. از طرفی، عدم ارتباط سیاسی و دیپلماتیک کشورهای عرب منطقه خلیج فارس با عراق، از این منظر مورد بررسی است که بروز هویت شیعی عراق، نظم پیشین عرب‌گرایانه را دچار بحران مفهومی کرد که ناچار به واکنش سلبی شدند. آمریکا در مارس ۲۰۰۳ با اشغال عراق بعثی، سبب آغاز تقابل گفتمان نظم عرب‌گرایانه با گفتمان شیعی عراق در منطقه خلیج فارس شد.

۴-۳- تهدید آفرینی

مهمترین ویژگی دولت شکننده عراق در محیط امنیتی خلیج فارس از دیدگاه کلان، ناتوانی آن در کنترل مرزهای ملی است، بگونه‌ای که گروه‌های تروریستی به راحتی وارد این کشور شده یا از آن به سایر کشورهای منطقه نفوذ می‌کنند. ظرفیت تهدید آفرینی دولت شکننده عراق برای مردم خودش و سایر کشورها بالا است. برای رهبران دولت‌های شکست خورده، مهمترین نگرانی، تداوم رژیم خود است. بنابراین، بیشترین تهدیدها توسط محیط داخلی، در شکل چالش‌ها علیه اقتدار حاکم شکل می‌گیرد (Reily, 2008: 7).

دولت‌های شکننده بیش از سایر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی برای آمریکا تهدیدزا هستند، زیرا این دولت‌ها زمینه قدرت‌یابی و گسترش تروریست‌ها را فراهم می‌کنند. تهدیدهای این دولت‌ها شامل طیفی از تروریسم، گسترش جنایات بین‌المللی، گسترش تسلیحات، بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌شود. به همین دلیل دولت‌های شکننده مکان‌هایی مناسب برای مجرمین در جهت قاچاق اسلحه، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و سطوح بالای فساد هستند. از طرفی برآورده نکردن مطالبات مردم سبب شکل‌گیری گروه‌های خشونت‌طلب و گرایش مردم به آنها می‌شود. گروه‌های تروریستی در عراق حاصل چنین فرآیندی هستند. نتیجه این وضعیت، افزایش نقش خرده‌گروه‌های تروریستی در منطقه خلیج فارس است. داعش نماد عینی این نقش آفرینی است (Kinsman, 2016: 2). بدین ترتیب، خاورمیانه و منطقه خلیج فارس خطر دولت‌های شکننده بیشتری را تجربه خواهد کرد. در نهایت، این وضعیت محیط مناسبی برای گسترش جنگ‌های جدید است.

۴-۴- افزایش مداخلات نظامی در منطقه خلیج فارس

دولت‌های شکننده در منطقه خاورمیانه و زیرسیستم امنیتی خلیج فارس، به دو صورت زمینه‌ساز مداخله قدرت‌های خارجی شده است. از یک سو، این قدرت‌ها با اظهار اینکه این وضعیت، تهدیدی برای آنهاست، اقدام به مداخله نظامی می‌کنند و از سوی دیگر، چنانکه جانسون^۱ اظهار داشت، حمایت از حقوق بشر و مداخله بشردوستانه دستاویزی برای این مداخلات می‌شود. این موضوع در سیاست خارجی آمریکا با شعار «کمک به دیگران برای کمک به خود» مطرح است؛ بگونه‌ای که خود به تقویت تروریسم در منطقه منجر شده است (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۵۲).

مؤسسه امنیت نوین آمریکا به این ظرفیت‌های خاورمیانه برای تأمین منافع آمریکا، در گزارش ۲۰۱۳ خود، توجه ویژه‌ای کرده است تا تحولی در آینده مداخلات نظامی خود را مطرح کند. لوجان^۲ در مقاله‌ای با عنوان آینده مداخله نظامی آمریکا، رویکرد جدید جنگ نیابتی یا مداخله نظامی، مقیاس کوچک و محدودی را برای دکتترین نظامی آمریکا پیشنهاد داد که متأثر از پیامدهای مداخله آمریکا در افغانستان و عراق بود. او با استفاده از ظرفیت‌های هر منطقه برای توسل به این جنگ‌ها، از آن به عنوان کمک به دیگران برای کمک به

^۱.Boris Johnson

^۲.Fernando Lujan

خود یاد می‌کند (Lujan, 2013: 21). بسیاری از مشکلات ناشی از دولت‌های شکننده، زمینه این مداخلات را فراهم کرده است. ایالات متحده نقش اول در تمام مداخلات خارجی در خلیج فارس و عراق را ایفا کرده است. این مداخلات همچون حمله نظامی، کمک‌های تسلیحاتی، احداث پایگاه‌های نظامی متعدد و فرسایشی کردن بحران منطقه از طریق مداخله در آنها و استفاده از تروریست‌ها در راستای منافع خود بروز یافته است (Gardner, 2012: 1).

۴-۵- تاثیر گذاری بر موازنه قوای منطقه‌ای بین ایران و عربستان

در دولت شکننده عراق، همواره عربستان و دولت‌های خلیج فارس به دنبال تغییر موازنه در رأس هرم قدرت (به چالش کشیدن هژمونی سیاسی شیعیان در ساختار سیاسی) به نفع خویش و به هزینه ایران بوده‌اند. رابطه بین ایران و عربستان به‌خصوص بعد از سقوط صدام، متأثر از تنش‌های ساختاری موجود در منطقه است. هرکدام از این دو بازیگر به دنبال رهبری جهان اسلام و همچنین چیدمان خاصی از نظم در منطقه هستند. برداشت ایران از عربستان به منزله یک بازیگر وابسته به آمریکا است که برتری مشروع ایران را در خلیج فارس و خاورمیانه به چالش می‌کشد. سعودی‌ها نگران قدرت ایران در منطقه و افزایش قدرت این کشور بعد از سقوط صدام و همچنین جنگ افزارهای هسته‌ای احتمالی آن است. این دو کشور درخصوص ایدئولوژی‌های سیاسی و حکمرانی نیز تضاد دارند. همچنین قدرت نرم ایران قلب‌ها و ذهن‌های بسیاری را در جهان اسلام و منطقه از طریق مواجهه و تقابل با رژیم اسرائیل و غرب تسخیر نموده است (Shabaneh, 2013: 3-4). در همین راستا دولت‌های خلیج فارس در تلاشند تا با استفاده از بحران‌های بوجود آمده در عراق، این کشور را از صف متحدان منطقه‌ای ایران خارج کنند. درنهایت آمال نهایی استراتژیک این دولت‌ها در عراق، تغییر موازنه به سود خویش و به ضرر ایران و به چالش کشیده شدن هژمونی سیاسی شیعیان در ساختار سیاسی عراق است.

۴-۶- تاثیر گذاری بر روابط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قبال عراق پس از اشغال سال ۲۰۰۳، فاقد راهکاری مناسب و موضعی مشترک بودند و آنها با عراق به عنوان کشور عربی و از زاویه منافع عربی برخورد نمی‌کردند. بدلیل اوضاع نابسامان و بی‌ثبات در عراق و تشدید تحریم و فشارها، کشورهای عضو شورا از مدافعان برکناری صدام بودند، اما این وضعیت به یک مسئله برجسته و بحرانی در منطقه مبدل شد، که بی‌ثباتی، بنیادگرایی و وخامت اوضاع امنیتی در منطقه را دامن زد. عدم انسجام در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس موجب بروز اختلاف بر سر اتخاذ سیاست خارجی و تصمیم واحد در قبال بغداد شده است. این کشورها در تلاش بودند تا نقش اساسی با سنی‌های محافظه‌کار سنتی و شیعیان سکولار در عراق، پس از حمله آمریکا را بازی کنند، اما این معادلات پس از انتخابات ژانویه ۲۰۰۵، به‌ویژه با روی کار آمدن حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، که از مدافعان ایران بودند، بهم خورد (Altariq, 2006: 2).

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در برابر عراق، موضع محتاطانه‌ای اتخاذ نمودند. ظهور گفتمان شیعی و اختلاف موجود میان نحله‌های اسلامی که بنحوی ورود ایران را به جغرافیای امنیت ملی عرب فراهم می‌کرد، که علاوه بر بروز اختلافات شدید میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، زنگ خطری نیز برای آنها بود. جنبه‌های همکاری این شورا با عراق، باتوجه به سامانه‌های موجود در حاشیه جنوبی خلیج فارس، آینده و نوع رژیم شیعی عراق، بدینی به روابط ایران با عراق، ترتیبات امنیتی مشترک عربی خاص و تضاد ساختاری این شورا با عراق، بر نوعی بی‌اعتمادی و بدینی استوار گشته است (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۷۵).

۴-۷- دولت شکننده عراق؛ پناهگاه تروریسم

اگرچه در راستای مسائل امنیتی به مباحثی همچون؛ جریان پناهندگان به دیگر کشورها، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و کودک و شیوع بیماری‌ها واگیردار در دولت‌های شکننده تاکید می‌شود (Simons & Tucker, 2007: 388). اما مهمترین مسئله در خصوص دولت‌های شکننده این است که این کشورها پناهگاه بسیار امنی برای انجام فعالیت این گروه‌ها و کمپ‌های آموزشی آنها

مانند گروه‌های تروریستی بشمار می‌آیند. چراکه این دولت‌ها بدلیل عدم امنیت و بی‌ثباتی بر سرزمین‌های خود کنترل مناسبی ندارند. افغانستان، سودان، یمن، عراق، سوریه شاهدی بر این ادعا است (Patrick, 2007: 653-654). در سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها درگیر مسائل تروریسم و حملات تروریستی شده‌اند، همین امر سبب شده تا بحران در یک کشور به یک معضل امنیتی جهانی تبدیل شود. برای مثال، عراق و سوریه کشورهایی هستند که جنگجویان خارجی به‌ویژه تروریست‌های تکفیری - جهادی از کشورهای عربستان، امارات، قطر، سودان، الجزیره، فرانسه، مراکش، اندونزی، مصر به این دو کشور بیایند و با حمایت همه‌جانبه آن کشورها در آنجا تجمع کنند (Simons & Tucker, 2007: 388).

۴-۸- قاچاق نفت و فروش آن در بازارهای سیاه (تروریسم نفتی)

بسیاری از تحلیلگران حوزه انرژی نگرانند که دستیابی گروه‌های تروریستی به نفت منطقه، شکنندگی و نابسامانی دولت عراق و فعالیت این گروه‌ها در بغداد، باعث تحت‌تاثیر قرار دادن بازار جهانی می‌شود. همانطور که همزمان با آشوب‌آفرینی و ایجاد ناامنی گروه‌های تروریستی همچون داعش در عراق و سوریه، قیمت نفت به بالاترین سطح خود رسید. در واقع قیمت نفت خیلی بیشتر از آنچه تقاضا می‌شد افزایش یافته بود و باید بخش قابل توجهی از آن افزایش قیمت را در جو روانی حاصل از کاهش عرضه نفت ارزیابی کرد. عراق تاکنون در مدیریت کارآمد صنعت خود به‌منظور متناسب کردن ظرفیت تولید با میزان ذخایر نفت، ناموفق بوده است.

باتوجه بر پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی به برنامه عراق در راستای افزایش ظرفیت تولید دو میلیون بشکه‌ای نفت تا سال ۲۰۱۹، هشدار داد که فعالیت‌های تروریستی و ناکارآمدی در مدیریت این صنعت در عراق سبب ایجاد مانع بر سر راه تحقق این هدف خواهد شد. چراکه این کشور به عنوان بخش عمده و منبع اصلی از رشد ظرفیت تولید پیش‌بینی شده است که افزایش تولید فزاینده نفت با توجه به بی‌ثباتی داخلی عراق و عملیات‌های انتحاری بر روی خطوط نفت، در معرض خطر قرار گرفته است. به عنوان مثال؛ داعش با حضور و سلطه بر منابع عظیم نفتی عراق، توانست با تسلط، کنترل و غارت تجهیزات و تأسیسات نفتی (هفت چاه نفت و دو پالایشگاه) در شمال عراق به عنوان فروشنده در منطقه محسوب شود، و با فروش ارزان قیمت نفت در میداین تحت تصرف خود درآمد بالایی را کسب کند (نساج و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۳).

۵- نتیجه

کشور عراق به عنوان یکی از نقاط بحرانی منطقه به‌ویژه بعد از سقوط صدام، تأثیرات گسترده‌ای را بر ساختار امنیتی منطقه بر جای گذاشته است. ساختار قومی - مذهبی کشورهای خلیج فارس پیوندهای بسیار نزدیکی و رای مرزهای سیاسی با یکدیگر دارند. در واقع ساختار ژئوپلیتیکی منطقه و گروه‌های قومی - مذهبی یکی از عوامل مهم در بی‌ثباتی منطقه می‌باشند که این پدیده حاصل ترسیم نقشه‌ی مصنوعی توسط غرب، پس از فروپاشی عثمانی می‌باشد. علاوه بر این، دولت - ملت‌سازی ناقص، کشورهای منطقه را به‌صورت بالقوه مستعد شکنندگی ساخته است. به‌گونه‌ای که وجود یک عامل محرک نظیر تفرقه‌پراکنی بین اقوام، سوءاستفاده‌های مذهبی - قومی، تقویت اندیشه‌های تکفیری، از بین بردن حاکمان توانمند، فشارهای اقتصادی می‌تواند عامل ازهم گسیختگی نظام امنیتی منطقه باشد.

منطقه خلیج فارس را باید به عنوان یک سیستم در نظر گرفت که دارای سطوح مختلفی از قدرت است. در بالاترین سطح قدرت منطقه‌ای بازیگران مذکور نقش مهمی را در امنیت منطقه دارا هستند، در رابطه با عراق نیز تصمیمات آنها مستقیماً بر ساختار امنیتی منطقه تأثیرگذار است. در واقع؛ تحولات عراق می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت بازیگران منطقه محسوب گردد. ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عراق به‌گونه‌ای است که همسایگان آن بیشترین بازخوردها را از تحولات این کشور می‌بینند و از آنجاییکه همسایگان عراق قدرت‌های برتر منطقه و دارای اختلافاتی با یکدیگر هستند، تحت‌تأثیر تحولات عراق می‌توانند با راهبردهای سیاست خارجی خود بر امنیت کلی منطقه تأثیرگذار باشند. از طرف دیگر آمریکا به‌عنوان یک بازیگر فرامنطقه‌ای و یکی از بنیان‌شکنندگی عراق در مقابل برخی از کشورهای منطقه مانند ایران دارای منافع متضادی است که این تقابلات تأثیرات مهمی در ساختار امنیتی منطقه دارد. در کل برای برقراری ثبات در عراق تنها استقرار یک دولت متمرکز مرکزی است که می‌تواند مانع از گسست امنیتی شود. همچنین حفظ وحدت ملی یکی از مؤثرترین راه‌های رهایی از وضعیت لجام‌گسیخته در عراق کنونی می‌باشد. باوجود اینکه قانون اساسی جدید عراق گرایش به

سمت فدرالیسم دارد و گروه‌های قومی - مذهبی موجود در عراق نیز دچار ناسازگاری سیاسی می‌باشند، برای رهایی از شکنندگی در عراق عواملی همچون؛ وجود یک قدرتمند نشأت گرفته از وحدت ملی، برنامه اصلاحی فراگیر و ضد فساد، حرکت تدریجی به سمت دوری از وابستگی به منابع نفتی، افزایش ظرفیت‌های داخلی تولید کالا و خدمات، تقویت زمینه‌ها برای سرمایه‌گذاری مناسب و بیشتر خارجی، سالم سازی بوروکراسی، بسترسازی برای افزایش صادرات کالا و... زمینه ثبات در این کشور و منطقه و افزایش توان اقتصادی و قدرت سیاسی آن در فضای جهانی را فراهم می‌سازد.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۱۴۹-۱۲۳.
- ابراهیمی، یعقوب، (۱۳۹۴)، «نگاه ساختارگرا به شکنندگی دولت در جهان اسلام»، فصلنامه زمین در گسترده‌ی سیاست، فرهنگ و فلسفه، شماره ۶، صص ۲-۱۵.
- اختیاری‌امیری، رضا، (۱۳۹۴)، «نقش هویت‌های متعارض در عدم شکل‌گیری اجتماعی امنیتی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱-۲۱.
- الیس، هادی، (۱۳۸۶)، خواسته‌ی کردها برای تشکیل دولت و آینده‌ی عراق، ترجمه‌ی امیرمحمد حاجی‌یوسفی و معصومه انتظام، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- برژینسکی، ژبینگویو، (۱۳۸۶)، انتخاب: سلطه یا رهبری، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران: نشر نی.
- بروک، لوتار و سورنسون، جورج و استول، میشل و هنریک‌هلم، هانس، (۱۳۹۴)، دولت‌های شکننده: جامعه‌شناسی جنگ و منازعه در دنیای مدرن، ترجمه احمد رشیدی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی، مهدی و تهامی، محمدجواد، (۱۳۹۶)، «بررسی پیامدهای امنیتی منطقه‌ای دولت‌های شکننده؛ بررسی موردی عراق»، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۵، شماره ۹۹، صص ۱۸۹-۱۵۳.
- داویشا، عدید، (۱۳۸۶)، عراق: موانع، پیشرفت‌ها و چشم‌اندازها، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی، تهران: وزارت امور خارجه.
- سلطانی‌گیشینی، محمدجواد و وثوقی، سعید و ابراهیمی، شهرزاد، (۱۳۹۶)، «دولت شکست‌خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه‌ی موردی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۳(۴۹)، صص ۱۴۵-۱۱۷.
- شیهان، مایکل، (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، حجت، (۱۳۹۵)، «خیزش‌های هویتی، دولت‌های شکننده و بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۱۷۲-۱۴۶.
- طاهری، ابراهیم و صادقی‌بکیانی، امین، (۱۳۹۵)، «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)»، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۴، شماره ۲(۹۴)، صص ۴۷-۸۸.
- عطار، سعید و سعیدی‌راد، آرش و رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۷)، «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۱، شماره ۸۰(۲)، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- گریفتس، مارتین، (۱۳۹۰)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مستقیم، بهرام و ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۶)، «روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس پس از سال ۲۰۰۳»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۲۳، صص ۲۷۰-۲۸۰.
- نساج، حمید و نظری، مینا و پوررنجبر، مهدیه، (۱۳۹۴)، «شناسایی و تأمین منابع مالی داعش»، فصلنامه حبل‌المتین، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۵۵-۳۷.

نظمی، ندا، (۱۳۸۸)، «القاعده و مسأله جهاد»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۱۷۴-۱۴۱.
یزدانفام، محمود، (۱۳۹۰)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Altariq, Al-H. (2006). "The Arab Gulf States in The Shadow of The Iranian Nuclear Challenge", *The Henri I. Stimson Center*, available at [https:// pdfs. Seman ticscho lar.org/eb a1/359b4b1c66c466ace8b646901fb747c895d.pdf](https://pdfs.semanticscholar.org/eb a1/359b4b1c66c466ace8b646901fb747c895d.pdf), pp. 1-26.
- Blanchard, Ch. M. (Coordinator), Katzman, K., Migdalovitz, C., & Sharp, J. M. (2009). "Iraq: Regional Perspectives and U.S. Policy", Congressional Research Service (CRS), pp:1-35, in: <https://fas.org/srg/crs/mideast/RL33793pdf>
- Cordesman, A. H. & Khazai, S. (2014). "Iraq in Crisis, A Report of the CSIS Burke Chairin Strategy", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, Washington, DC: CSIS, Center for Strategic & International Studies, available at: https:// csispro d.s3.ama zonaws.c om/s3fspublic/ legacy_files/files/pu blication/140513_Cordesma IraqInCrisis_Web.pdf
- Fragile States (2019). Powered by The Fund FOR Peace (2006-2019). 2019 in: <https://fragilestatesindex.org/country-data/>
- Gardner, Z. (2012). "The Zionist Drive for Greater Israel", available at: https://www.bibliotecapleyades.net/sociopolitica/esp_sociopol_zion92.html
- Gould, L. A. & Pate, M. (2016). *State Fragility Around the World: Fractured Justice and Fierce Reprisal*, CRC Press, Published February 24.
- Hinnebusch, R. (2007). "The US Invasion of Iraq: Explanations and Implications", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol.16, No. 3, 2007, pp. 209-228. Also available at: <https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/10669920701616443?needAccess=true>.
- Howard, T. (2014). *Failed States and the Origins of Violence, A Comparative Analysis of State Failure as a Root Cause of Terrorism and Political Violence*, 1st Edition, Routledge.
- Jackson, R. (1991). "Quasi-States: Sovereignty, International Relations and the Third World", Cambridge Press.
- Kinsman, J. (2016). "From Failed States to a Failed Region: The Middle East in Crisis", 2016, available at: <http://policymagazine.ca/pdf/18/PolicyMagazineMarchApril-2016-Kinsman.pdf>, pp. 1-3.
- Lujan, F. (2013). "The Future of American Military Intervention", available at: http://www .cnas.org/files/documents/publications/CNAS_LightFootprint_VoicesFromTheField_Lujan.pdf
- Nuruzzaman, M. (2008). "Failed and Fragile States", in *International Relations: Revisiting Issues and Rethinking Options*, ACSP-CPSA, Vancouver, pp.1-26.
- OECD library (2015). "The Changing Face of Fragility and its Implications Post-2015", in: *States of Fragility 2015: Meeting Post-2015 Ambitions*, OECD Publishing, Paris, DOI: <http://dx.doi.org/10.1787/9789264227699-6-en>. (Accessed on 7 December 2015).
- Patrick, S. (2007). "Failed States and Global Security: Empirical Questions and Policy Dilemmas", *International Studies Review*, vol.9, No. 4, pp. 644-662.
- Reily, D. A. (2008). "The Two-Level Game of Failing States: Internal and External Sources of State Failure", *The Journal Conflict Studies*, available at: <http://jour nals.hil.unb. ca/index.Php/j cs/article/vi ew/11244/13417>, pp: 17-32.
- Rotberg, R. (2003). "Failed States, Collapsed States, Weak States: Causes and Indicator", in: <https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/statefailureandstateweaknessinatimeofterrorpdf ,pp:1-25>
- Shabaneh, G. (2013). "Report, Kerry's Visit to Saudi Arabia and the Saudi American Relations", *Al Jazeera Center for Studies*, pp: 1-9. available at: HTTP.
- Simons, A., & Tucker, D. (2007). "The Misleading Problem of Failed States: a 'sociogeography' of terrorism in the post-9/11 era", *Third World Quarterly*, 28(2), pp. 387-401.
- The World Bank, Doing business measuring Business Regulations 2006-2019, (2019). in: <http://www.doingbusiness.org/enda>.
- United Nations Development Program (2018). *Human Development Reports*, IN: <http://hdr.undp.org/en/indicators137506#>.
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. U.S, New York: McGraw-Hill.

Yoo, J. (2011). “*Fixing Failed States*”, available at: <https://scholarship.law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubslaw.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubs>, 2011, pp.94-150.